

عدل علوی و عشق مولوی

«هومر آبرامیان»

بخش چهارم

دنباله گفتگوی ماهنامه آفتاب با حجت الاسلام محسن کدیدور

اگر سد تیر زهراگین زنی ای خصم بر جانم
اگر با نیشتر، بیرون کشتی از کاسه چشمانم
اگر در هم نوردی تار و بود و رشته و جانم
مرا از مهر ایران نگسلاند عهد و پیمانم
اگر مغز مرا در روغن سوزان بسوزانی
اگر قلب مرا بر سیخ در آتش بگردانی
اگر از تن جدا سازی به تیغی هر دو دستانم
مرا از مهر ایران نگسلاند عهد و پیمانم
اگر سازی جدا از پیکر من جمله اعضا
اگر در هاونی در هم بکوبی استخوانهایم
اگر خاکسترم را افکنی بیرون از ایرانم
مرا از مهر ایران نگسلاند عهد و پیمانم
اگر در شعله آتش بسوزانی زبانم را
اگر با میله داغی کنی بریان لبانم را
اگر با چکشی در هم بکوبی فک و دندانم
مرا از مهر ایران نگسلاند عهد و پیمانم
تو خونم را بریز ای خصم خون آشام بد اختر
بسوزان پیکرم را تا شود این جسم خاکستر
ولی عشق وطن آمیخته با شیره جانم
مرا از مهر ایران نگسلاند عهد و پیمانم

دکتر منوچهر سلیمی، سراینده چکامه شورانگیز بالا، همراه با دکتر ضیاء مدرس و مهندس فرخ سرمد و مهندس سیاوش توکلی در شامگاه سی ام آذر ماه ۱۳۶۰ تازی با چشمان بسته، در زیر دیوار ننگین خشت الله و اکبر، به گناه ایران دوستی، با رگبار گلوله درخیمان حکومت ننگین دامن اسلامی گشته شدند. آنها همانند آرش کمانگیر، بر چکاد جوانمردی ایستادند، و با افشاندن جان، نام پُر پژواک ایران را سدا کردند تا چگونه مردن را به ما رزمندگان راه آزادی ایران بیاموزند.

دکتر منوچهر سلیمی، هنگامی که در زیر شکنجه های هولناک دژخیمان حکومت اسلامی پایداری می کرد، چکامه بالا را سرود. یادش گرامی و نامش در کارنامه ایران جاودانه باد.

در بخش سوم این نوشتار، بخشی از سخنان حجت الاسلام دکتر محسن کدیور، در گفتگو با ماهنامه آفتاب را بررسی کردیم، امروز به همراه این اسلام شناس نامی به کرانه دیگری از ناسازگاریهای این دین جهانسوز با حقوق بشر می پردازیم.

آفتاب می پرسد: در اسلام تاریخی آیا همه مسلمانان هم مذهب یا همه مؤمنان با یکدیگر از لحاظ حقوق مساوی اند؟ آیا با اغماض از تفاوت ها و تبعیضات دینی و مذهبی می توان از حقوق برابر شرعی سخن گفت؟

حجت الاسلام کدیور می گوید: پاسخ منفی است! در اسلام سنتی تفاوت حقوق انسان ها منحصر به تفاوت دینی و مذهبی نمی شود و در واقع دومین محور تعارض اسلام با اندیشه حقوق بشر عدم تساوی حقوق زن و مرد است. بنا بر این جنسیت دومین منشا تبعیض حقوقی در اسلام سنتی است و البته این تفاوت در همه حقوق نیست، در بسیاری از احکام حقوق تجاری یا حقوق عبادی زن و مرد مساویند. اما از سوی دیگر در حقوق مدنی و حقوق جزایی و کیفری جنسیت موجب تفاوت حقوقی است. دیه یا خونبهای زن نصف دیه مرد است، بی وجه نیست اگر کسی بگوید: زن از این دیدگاه موجودی درجه دوم است و تنها نصف مرد ارزش اقتصادی دارد. اگر زن مسلمانی توسط مرد مسلمانی عمداً به قتل برسد و اولیای دم بخواهند قصاص کنند، ابتدا باید معادل دیه زن را به قاتل پردازند سپس قصاص کنند!.. در دیه اعضای بدن نیز اگر خونبهای عضو بیشتر از ثلث دیه کامل باشد، دیه عضو زن نصف دیه عضو مرد محاسبه می شود.

اسلام سنتی شهادت زنان را در محکمه قضایی در موارد متعددی مطلقاً نمی پذیرد. در بسیاری از حدود شرعی از قبیل محاربه، سرقت، شرب خمر، تهمت و افترا بستن، لواط، قوادی، و در دعاوی غیر مالی از قبیل نسب، مسلمان بودن، بلوغ، جرح و تعدیل، رؤیت هلال ماه، وکالت، وصیت، و نیز در طلاق و رجوع در طلاق شهادت زنان فاقد هر گونه اعتبار است!.. شهادت دهها زن در این مورد به اندازه شهادت دو مرد ارزش ندارد!.. در حوزه شهادت قضایی زن یا نصف مرد است یا اصلاً کالعدم است [هستی ندارد] کان لم یکن است و فاقد اعتبار. اگر چه در عقد ازدواج رضایت طرفین به طور تساوی شرط صحت عقد است، اما در اسلام طلاق از سوی مرد صورت می گیرد و رضایت حتی اطلاع زن در صحت آن دخیل نیست، مرد هر گاه اراده کرد می تواند همسر خود را شرعاً طلاق دهد... در عیوب منجر به فسخ ازدواج (بدون طلاق) باز بین مرد و زن تفاوت است: بیماریهای جزام - برص [بیماری پیسی] - فلج در زن، برای مرد حق فسخ نکاح ایجاد می کند اما وجود همین عیوب در مرد برای زن چنین حقی ایجاد نمی کند!.. زن مسلمان حق ندارد مطلقاً با مرد غیر مسلمان ازدواج کند اما ازدواج موقت مرد مسلمان با زنان اهل کتاب [مسیحی - یهودی - زرتشتی] مجاز شمرده شده است!..

طبیعی است که نظام فطری و مطلوب زنان تک همسری است!.. اما مردان می توانند در زمان واحد تا چهار تا همسر دائمی و بطور نامحدود همسران موقت داشته باشند، بعلاوه در صورت امکان مرد می تواند از کنیزان خود بدون هیچ محدودیتی تمتع جنسی ببرد حال آنکه واضح است چنین رابطه بی بین زن و غلام او بدون ازدواج ممنوع است.

نگاه کنیم به بنمایه های سخنان کدیور از قران:

آیه ۳ سوره نسا: پس آن کس از زنان را بنکاح خود آرید که شما را نیکو و مناسب است، دو یا سه یا چهار...

آیه ۲۲۱ سوره بقره: با زنان مُشرک ازدواج مکنید مگر اینکه که ایمان آورند، و همانا کنیزگی با ایمان بهتر از زن آزاد مُشرک است هر چند از حسن او به شگفت آید...

آیه ۵ سوره مائده: ... و نیز حلال شد بر شما نکاح زنان پارسای مومنه و زنان پارسای اهل کتاب ...

آیه ۱۰ سوره ممتحنه: ای کسانی که ایمان آورده اید زنانیکه بعنوان اسلام و ایمان هجرت کرده و بسوی شما آمدند شما امتحان‌شان کنید اگر با ایمان‌شان شناختید دیگر به شوهرانشان برنگردانید که هرگز این زنان مؤمن و آن شوهران کافر بر این زنان حلال نیستند...

یاد آوری چند رخداد تاریخی در پیوند با این جستار را در همین جا بایسته می دانم:
جرجی زیدان نویسنده نامدار عرب در گزارش لشکر کشی تازیان به ایرانزمین، در «تاریخ تمدن اسلام» می نویسد:
«تازیان بخاطر غارت و زن و اسیر و برده به اسلام روی آورده بودند» .

عبدالحسن زرین کوب در «دو قرن سکوت» در چگونگی گشودن تیسفون می نویسد: «... فاتحان گریختگان را پی گرفتند، کشتار بی شمار و تاراج گیری به اندازه پی بود که تنها سیصد هزار زن و دختر ایرانی به بند کشیده شدند، شست هزار تن از آنان به همراه نهسد بار شتری زر و سیم بابت خمس به دارالخلافه فرستاده شدند و در بازارهای برده فروشی اسلامی به فروش رسیدند، با زنان در بند به نوبت همخوابه شدند و فرزندان پدر ناشناخته بسیار بر جای نهادند، هنگامی که این خبر بگوش عمر رسید دستها را بهم کوفت . گفت از این بچه های پدر ناشناخته به خدا پناه می برم!...» .

در (مکتوبات میرزا فتحعلی آخوند زاده) می خوانیم: تازیان مسلمان به زنان و دختران ایرانی بسنده نمی کردند بلکه آلت مردیِ پسر بچه ها را هم می بریدند و آنان را به حاجیان مکه می فروختند!..

ابن اثیر در رویه ۵۰ از پوشینه سوم تاریخ کامل اسلام و ایران می نویسد: «... بر مبلغ مالیات سالیانه در سیستان، دو هزار غلام نابالغ و دختر نیز افزودند!...»

مرتضی راوندی از تاریخ گزیده آورده است: «قتیبه بن مسلم باهلی، سردار معروف حجاج که چندین هزار از ایرانیان را در خراسان و ماوراءالنهر کشتار کرد و در یکی از این جنگها به سبب سوگندی که خورده بود اینقدر از

ایرانیان کشت که تمام معنی کلمه از خون آنها آسیاب روان گردانید و گندم آرد کرد و از آن آرد نان پخت و تناول نمود، و زنها و دخترهای آنها را در حضور آنها به لشکر عرب قسمت کرد!..»

بر می گردیم به دنباله سخنان کدیور با ماهنامه آفتاب: در ارث، سهم الارث دختر نصف سهم الارث پسر است. سهم الارث زن از شوهر با وجود اولاد یک هشتم ترکه و بدون اولاد یک چهارم ترکه است در حالی که سهم الارث شوهر از همسرش در همین شرایط به ترتیب یک چهارم و یک دوم است. یعنی دقیقاً باز سهم زن نصف سهم مرد خواهد بود، بعلاوه زوجه تنها از اموال منقول و ابنیه و درختان ارث می برد نه از زمین، حال آنکه زوج تمام اموال همسرش را اعم از منقول و غیر منقول ارث می برد!..

زن و مرد از دیدگاه اسلام در سن آغاز مسئولیت کیفری متفاوتند، به لحاظ شرعی سن بلوغ با سن مسئولیت کیفری، سن ازدواج و سن تکلیف عبادی یکی است، بنا بر این یک دختر ۹ ساله همانند یک بزرگسال مشمول اجرای حدود شرعی می شود اما یک پسر چهارده ساله به واسطه صغر سن از چنین مسئولیتی مبرا است و با او معامله کودکان می شود!..

برای اینکه بدانیم این آیین ننگین از کجا برآمده، یاد آوری می کنم که پیامبر اسلام عایشه را هنگامی که ۷ ساله بود نامزد کرد و در ۹ سالگی او را به بستر کشید، اگر چه برخی نوشته اند که در همان هفت سالگی این کار را کرد، پس اگر می توان با یک دختر بچه ۹ ساله آمیزش جنسی داشت چرا نباید او را برای اشتباهی که کرده است تازیانہ زد و یا سنگسار نمود؟ این بخش دیگری از آن «معنویت» است که بوزینه های گنبدیده مغزی مانند عبدالکریم سروش می خواهند از قفس آزاد کنند و نگذارند که ریشه های این آیین شرم آور از نیابوم اهورایی ما کنده شوند.

دختر مطلقاً بنا بر احتیاط بدون اجازه پدر یا جد پدری در صورتی که در قید حیاط باشند نمی تواند ازدواج کند در حالی که پسر برای ازدواج نیازمند چنین اجازه بی نیست!.. مرد شرعاً رئیس خانواده است، زن بدون اجازه شوهرش حق ندارد از خانه خارج شود!..

علی، امام یکم شیعیان، در روایت ۳۸۵ نهج البلاغه برگردان محسن فارسی پسر بزرگش را چنین اندرز می دهد: زنهار در هیچ کاری با زنان مشورت مکن چه رای آنان نا درست و عزم و اراده ی آنها سُست است با پوشیده داشتن ایشان رخسارشان را از چشم نامحرم دورنگهدار... چه بهتر اگر بتوانی کاری کنی که آنان جز تو کس دیگری را نشناسند... در عزیز داشتن زن افراط مکن.»

بر زن واجب است از شوهرش مطلقاً تمکین [فرمانبرداری] کند و حق ندارد بدون عذر شرعی از تمتع شوهرش جلوگیری کند!.. اما بر مرد واجب نیست به تمایلات زن هر گاه که وی خواست پاسخ دهد، حق شرعی زن در این امور هر چهار ماه یکبار است.

آیه ۲۲۳ سوره بقره: زنان شما کشتزار شمایند برای کشت بدانها نزدیک شوید هر گاه مباشرت آنان خواهید...

آیه ۵۱ سوره احزاب: تو ای رسول، هریک از زنان را خواهی نوبتش مؤخر دار و هر کرا خواهی بخود بپذیر و

هم آن را از خود راندی اگرش باز خواندی بر تو باکی نیست!.. آنها هیچیک نباید محزون باشند!..

زن بدون اجازه شوهرش حق سوگند شرعی ندارد، همچنانکه نذر زن در موارد منافی [ناسازگار] با حق شوهرش صحیح نیست با شرایطی مرد حق دارد بدون مراجعه به دادگاه او را کتک بزند و تأدیب کند!..

آیه ۳۴ سوره نسا:... و زنانیکه از مخالفت و نافرمانی آنها بیمناکید، باید نخست آنها را پند دهید و از خوابگاهشان دوری کنید، و در صورت نافرمانی آنها را به زدن تنبیه کنید!..

ناسزا گفتن و فحش دادن از سوی شوهر به همسرش شرعا حرام نیست. تبعیض جنسی در احکام شریعت در تعارض با مواد اول، دوم، و هفتم اعلامیه جهانی حقوق بشر است. مطابق این مواد تمام افراد بشر با شأن و حقوق برابر به دنیا می آیند، هر کس بدون هیچ گونه تبعیض بویژه از حیث جنس از تمام حقوق و آزادی ها برخوردار است همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون هیچگونه تبعیضی از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند. در بسیاری از احکام شرعی زنان با تبعیض حقوقی مواجهند در موارد متعددی از حقوق خانواده، حقوق مدنی و حقوق قضایی، زن و مرد نامساویند. از سوی دیگر اسلام با ماده شانزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز در تعارض صحیح است، در این ماده آمده است: «مرد و زن در ازدواج، در مدت زناشویی و در فسخ آن از حقوق مساوی برخوردارند» حال آنکه در اسلام اگر چه فی الجمله مرد و زن در ازدواج از حقوق مساوی برخوردارند، اما در مدت زناشویی و به ویژه در فسخ آن قطعا از حقوق مساوی برخوردار نیستند. زن در زمان زناشویی از حقوق کمتر و در مورد جدایی تقریبا فاقد حقوق شرعی است!..

در اسلام سنتی جنسیت مقدم بر انسانیت است، در این نظام فکری نمی توان از حقوق ذاتی انسان سخن گفت، بگو انسان زن است یا مرد تا آنگاه از حقوق او برای بگویم، در اسلام حقوق مرد و حقوق زن داریم اما حقوق انسان یا حقوق بشر نداریم!.. در اسلام به لحاظ حقوقی، مرد انسان درجه اول و زن درجه دوم محسوب می شود، انسانی که بدون تابعیت و اتکا به مرد زندگیش سامان نمی یابد!.. به هر حال تبعیض جنسی از بدیهیات فقهی در اسلام سنتی است و این تبعیض را نه تنها قبیح و زشت نمی شمارند بلکه لازمه فطری و طبیعت از کمالات شریعت به حساب می آورند. ولی تردیدی نیست که احکام شریعت دال بر تبعیض جنسی زنان در تعارض آشکار با اسناد متعدد حقوق بشر است.

یاد آوری می کنم که علی امام یکم شیعیان در خطبه ۷۹ نهج البلاغه می گوید: ای مردم این بدانید که زنان ناقص العقل و ناقص الالبخت و ناقص الایمان هستند، نقصان عقلشان از این است که شهادت دو زن برابر یک مرد است و نقصان بختشان در این است که زنان نیمی از مردان ارث می برند و نقصان ایمانشان در بازنشستگی ایشان از نماز و روزه در روزهای حیضشان می باشد، بنابراین بکوشید از زنان پرهیزید و از خوبان آنها نیز برحذر باشید و اگر شما را بکار نیکی هم فرا بخوانند از آنان اطاعت مکنید تا مبادا طمع ورزیده و بکارهای زشت و ادارتان کنند!..»

ملا صدرای شیرازی یکی از بزرگترین اسلام شناسان شیعه مذهب است که او صدرالمتألهین نام داده اند. این دینکار

بزرگ مسلمان به پیروی از الله و رسول و امام یکم شیعیان و دیگر امامان شیعه و خلفای راشدین و دیگر بزرگان جهان اسلام، زنان را در ردیف حیوانات جا داده و نوشته است: « و از عنایات الهی در خلقت زمین، تولد حیوانات مختلف است که بعضی برای خوردن اند و بعضی برای سوار شدن و بعضی برای بار کشیدن و بعضی برای تجمل و بعضی برای نکاح و آمیزش چنسی!

یکی دیگر از دانشمندان نامی جهان اسلام «حاج ملا هادی سبزواری» است. این فیلسوف شیعه مذهب که در یاهو پردازی هیچ کم از ملاصدرا و ملا محمد باقر مجلسی و شیخ کلینی و شیخ حر عاملی و شیخ مفید و شیخ عباس قمی و امام محمد غزالی و شیخ روح الله خمینی و دیگر شیخان زن ستیز ندارد در راستای همان سخنان زن ستیزانه ملاصدرا، در پوشنه سوم «الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه» چاپ بیروت نوشته است: «... اینکه صدرالدین شیرازی زنان را در عدد حیوانات در آورده است اشاره لطیفی دارد به اینکه زنان به دلیل ضعف عقل و ادراک جزئیات و میل به زیورهای دنیا، حقاً و عدلاً در حکم حیوانات زبان بسته هستند. و اغلبشان سیرت چهارپایان دارند ولی به آنان صورت انسان داده اند تا مردان از مصاحبت با آنها متنفر نشوند و در نکاح (تن آمیزی) با آنان رغبت بورزند و به همین دلیل در شرع مطهر مردان را در کثیری از احکام، مثل طلاق و نشوز و... بر زنان چیرگی داده.»

امام محمد غزالی که یکی از بزرگترین دینکاران و شریعتمداران جهان اسلام است در رویه های ۲۶۹ و ۲۷۲ نصیحت الملوک بکوشش استاد جلال همایی چاپ انتشارات انجمن آثار ملی نوشته است: «... بدان که جملگی خوی زنان بر ده گونه است و خوی هر یک به صفت چیزی از حیوانات مانده است. یکی چون خوک - دوم چون بوزینه - دیگر چون سگ - چهارم چون مار - پنجم چون استر - ششم چون کژدم - هفتم چون موش - هشتم چون کبوتر - نهم چون روباه - دهم چون گوسپند... وزنی که خوی گوسفند دارد، مبارک بود همچون گوسفند که اندر همه چیزهای وی منفعت یابی. زن نیک همچنین با منفعت بود و بر شوهر خویش و بر اهل و همسایگان خویش رحیم بود و بر خان و مان و فرزندان خویش مشفق و مهربان بود و اطاعت دارد خدای جل جلاله را. و بدان که پارسایی و مستوری نعمتی است مرد را از نعمتهای خداوند. و هیئات هیئات که بر زن پارسا کم کس قادر شود.

براستی که بنام به اینهمه «معنویت»، بیراه نیست که ملایان فرمانروا بر ایران، و روشنفکران مسلمان (بخوانید در یوزگان نان) اینهمه در پاسداری از اسلام ناب محمدی در ایران و گسترش آن در جهان می کوشند!..

در اینجا به نازنین بانوان ایرانی که اینهمه خوار شماری زن از زبان یکی از نامدارترین چهره های اسلامشناس و باورمند به اسلام را شنیدند، می گویم: اگر اینهمه خوارشماری و فروتر نشینی و نابرابری را بر خود می پذیرید، و این یاهو ها را می باورید، آنگاه می گویم که اسلام گوارای جانتان باشد و بماند!.. ولی اگر این یاهو های شرم آور را سزاوار پایگاه ورجاوند بنیاد خود نمی دانید آنگاه بر شماست که این بندهای شرم آور را از دست و پای خود باز کنید و به آیین نیاکان خود برگردید، و بیاد داشته باشید که در ایران پیش از اسلام زنان ایرانی مانند همای (دختر بهمن) به پادشاهی می رسیدند:

همای آمد و تاج بر سر نهاد

یکی رای و آیین دیگر نهاد

به رای و به داد از همه در گذشت
همه گیتی از دادش آباد گشت

پس از درگذشت هرمز پادشاه ایران، همسرش که مادر شاپور دوم یا شاپور ذوالکثاف بود تا شاپور به سن رسایی برسد بیست سال بر تخت پادشاهی ایران نشست و کشور را بخوبی اداره کرد، بگفته فردوسی بزرگ:
به سر برش تاجی بیاویختند
بر آن تاج زر و درم ریختند

پوراندهخت دختر فرزانه و بسیار کاردان خسرو پرویز هنگامی بر تخت شهریای ایران نشست که آشوب و نابسامانی سراسر کشور را فرا گرفته بود، سرداران سپاه و فرمانروایان و کیش بانان هر یک از گوشه پی برخاسته و آرامش کشور را بهم ریخته بودند، پوراندهخت با خردمندی و کاردانی همه آن آشوبها را فرونشاند:
همی داشت پوران جهان را به مهر

نجست از بر خاک باد سپهر
هنگامی که دست زورآور مرگ درخت زندگانی پوراندهخت را از ریشه کند، کشور دوباره دستخوش نا آرامیها و آشوب ها گردید بگونه پی که هیچکس را یارای فرمانروایی در آن دریای آشفته نبود، ولی خاک ایرانزمین یکبار دیگر دختری را به تاریخ فرمانروایان خوب جهان ارمغان کرد، آزرمی دخت خواهر پوراندهخت و دختر دیگر خسرو پرویز کشتی در هم شکسته کشور را رهبری کرد و بار دیگر آرامش را به ایران بازگردانید:

یکی دختر دیگر آزرم نام
ز تاج بزرگی شده شاد کام
همه شهر از او شادمان

نماند اندر ایران یکی بدگمان
آرتمیس یا آرتیمیز به چم [راست گفتار بزرگ] دریا سالار بزرگ خشایارشا در نبرد با یونانیان بود که با کاردانی بی همتا ناوگان دریایی ایران را رهبری کرد.

گردآفرید از دیگر زنان برجسته در کارنامه ایران است که به هنگام لشکرکشی سهراب به ایران جامعه رزم می پوشد و به جنگ تن به تن با این ایرانی تبار ایران ستیز می شتابد و آنچنان می رزمند که سپاهیان هر دو سو شگفت زده در جای می خشکند:

بدانست سهراب کو دختر است
سر و موی او از در و گوهر است
شگفت آمدش، گفت از ایران سپاه
چنین دختر آید به آوردگاه
سواران جنگی به روز نبرد
همانا به ایران در آرند گرد
زنانشان چنین اند ایرانیان

چگونه اند گردان و جنگ آوران

گردیه خواهر بهرام چوین یکی دیگر از زنان نامدار تاریخ ایران است که در دلاوری و جنگاوری نامی بزرگ در جهان باستان از خود برجای گذاشت، او در یک نبرد سنگین، خاقان چین را شکست داد و سپاهیان را تار و مار کرد :
همه لشکر چین بر هم شکست

بسی کشت و افکند و چندی بخت
سراسر همه دشت شد رود خون
یکی بی سرو دیگری سر نگون
چو پیروز شد سوی ایران کشید
بر شهریار دلیران کشید

سران ارتش ایران به گردیه می گویند :

نجنباندت کوه آهن زجای
یلان را به مردی تویی رهنمای
ز مرد خردمند بیدارتر
ز دستور دانا هشیار تر
همه کهترانیم و فرمان تراست
بدین آرزوی رای و پیمان تراست

شوربختانه این اهرمن زادگان تازی پرست از بس از فاطمه و زینب و کبرا و صغرا و سکینه و رقیه گفته اند که زن ایرانی شناسه یا هویت خود را فراموش کرده و از خویشتن خود بیگانه مانده است، الگوی زن ایرانی بجای اینکه گردیه و گرد آفرید و سیندخت و فرانک و دیگر بانوان بلند پایگاه ایران باشند، رقیه ها و فاطمه ها و سکینه ها شده اند. امروز این با زن ایرانی است که می خواهد بخشی از **دارایی مرد**، و **ناقص العقلی** در شبستان او باشد، و یا به پایگاه سروری برگردد و سرور خود و مرد خود باشد.
دنباله دارد